

خبرنامه کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

سعیدی سیرجانی، زیر تیغ جمهوری اسلامی

روز ۲۳ اسفند/۱۴ مارس علی اکبر سعیدی سیرجانی، نویسنده و محقق سرشناس معاصر را همراه با نیاز کرمانی (شاعر) دستگیر و به نقطه نامعلومی بردند. سعیدی سیرجانی بیش از هفتاد سال دارد. قریب دو ماهی که از دستگیری وی می‌گذرد، فقط یکبار مکالمه تلفنی کوتاه‌ای با همسرش داشته است. سعیدی سیرجانی یکی از نخستین روشنفکرانی است که آشکارا از رفسنجانی به عنوان سیاستمداری که پس از مرگ خمینی تغییراتی را پدید خواهد آورد، حمایت کرد، با اینحال از چند سال پیش که علیه خودسرهای حکومت زبان به اعتراض گشود، مورد حمله آیدای رژیم و روزنامه‌هایش قرار گرفت. روزنامه‌های کیپان و جمهوری اسلامی و کیپان هوایی به شیوه همیشگی خود علیه وی دست به پرونده‌سازی زده و او را به «چرانم» مختلف و از جمله داشتن «تفکر ضد دینی» متهم کردند. سعیدی سیرجانی علیه مدیر مسئول کیپان هوایی به دادگاه شکایت برد. و امروز همینگونه اتهامات است که از زبان سوپروی‌نژاد، مدیرکل امنیت داخلی وزارت اطلاعات به سعیدی سیرجانی بسته می‌شود.

گوسوی‌نژاد در مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی ۵ اردیبهشت/۲۵ آوریل، اتهامات سیرجانی را استعمال و قاچاق مواد مخدر، ساخت و توزیع مشروبات الکلی، لواط، ارتباط با افسران ساواکی و شبکه‌های ضد انقلابی مستقر در اروپا و آمریکا و... ذکر کرده است.

به گفته وی سعیدی سیرجانی و نیاز کرمانی به همه این اتهامات اعتراف کرده‌اند! (کیپان لندن، ۸ اردیبهشت ۷۳)

اعتراض به دستگیری سعیدی سیرجانی گسترش می‌یابد

- در تهران، هفتاد و یک تن از شاعران و نویسندگان و محققان با انتشار نامه‌ای خطاب به «ریاست محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران» ضمن ابراز نگرانی خود از نحوه دستگیری «سعیدی سیرجانی» و اعلام تحقیق‌آمیز خبر آن در روزنامه‌ها، خواستار شده‌اند که «هرچه زودتر وضع ایشان بر اساس موازین قانونی روشن و آزادی ایشان تأمین گردد» (این بیانیه بطور جداگانه چاپ شده است).

- سازمان نظارت بر حقوق بشر - خاورمیان (نیویورک)، در نامه‌ای خطاب به تشارتی، وزیر کشور در اعتراض به این دستگیری، از جمله نوشته است که «سعیدی سیرجانی پژوهشگر و منتقد اجتماعی برجسته‌ای است که در محکوم کردن عدم آزادی فردی در ایران شهادت نشان داده است» و خواستار شده که «طبق قوانین خود

بر اساس اطلاعات اینتلیجنت سرویس، فاش ساخت که نمایندگان دولت جمهوری اسلامی در نوامبر گذشته در ملاقاتی با نمایندگان ارتش آزادیبخش ایرلند به این سازمان قول داده بودند که در صورت ترور سه شخصیت ایرانی مقیم اروپا، برخی از خواسته‌های نظامی، مالی و لجستیکی آنها را برآورده می‌کند. آقای ابوالحسن بنی‌صدر، خانم فرزانه تأییدی، ظاهراً به خاطر بازی در فیلم «بدون دخترم هرگز»، و آقای جواد دارابی (سخنگوی سازمان مجاهدین خلق در بون) افرادی هستند که دولت ایران خواستار قتل آنها بوده است.

بقیه در صفحه ۳

جمهوری اسلامی بر صدر فهرست حکومت‌های تروریست

تروریسم بین‌المللی در سال ۱۹۹۳ موضوع گزارشی است که وزارت خارجه آمریکا در روزهای نخست ماه مه ۹۴ انتشار داد. امسال هم این گزارش ایران را به عنوان «خطرناکترین و فعالترین حامی تروریسم» بین‌المللی در صدر فهرست حکومت‌های تروریست جهان قرار می‌دهد. سوریه، عراق، لیبی، کره شمالی، کوبا و سردان کشورهای دیگری هستند که در این فهرست دیده می‌شوند.

جمهوری اسلامی به سعیدی سیرجانی امکان داده شود که با خانواده‌اش دیدار کند، از حمایت وکیل دادگستری برخوردار باشد». (کیپان لندن، ۱۱ فروردین/۳۱ مارس) بقیه در صفحه ۳

ترور مخالفان:

پیشنهاد جمهوری اسلامی به ارتش آزادیبخش ایرلند

یکی از سخنگویان وزارت امور خارجه انگلستان اعلام کرد: «ما مطمئنیم که میان سرویس‌های مخفی ایران و ارتش جمهوریخواه ایرلند، تماس‌هایی وجود دارد». در همین رابطه وزارت امور خارجه انگلستان، غلامرضا انصاری مسئول روابط خارجی سفارت ایران در لندن را فرا خواند و در پایان گفتگو با وی، اظهار داشت که دولت ایران از طریق کمک‌های مالی و تسلیحاتی از ارتش جمهوریخواه ایرلند پشتیبانی می‌کند (لوموند ۳۰ آوریل ۹۴). دولت ایران بلافاصله این ادعا را تکذیب کرد، در مقابل دولت انگلستان مجدداً تأکید کرد که دلایل و مدارک کافی برای نشان دادن این نوع رابطه‌ها در دست دارد.

روزنامه ایندیپندنت (لندن)، روز سه شنبه سوم مه ۹۴ طی گزارشی می‌نویسد: به دنبال تکذیب دولت ایران، وزارت امور خارجه انگلستان

نامه نویسندگان ایران در دفاع از سعیدی سیرجانی

۷۳/۱/۱۹

ریاست محترم قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

چنانکه اطلاع دارید آقای علی اکبر سعیدی سیرجانی، نویسنده و محقق معاصر، از تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۷۲ بازداشت شده است و تاکنون که حدود یکماه از آن تاریخ می‌گذرد جز دو نوبت تماس کوتاه تلفنی با خانواده‌اش هیچ خبر رسمی در باره وضع ایشان در دست نیست و ظناً از حقوق انسانی، مدنی و قانونی خود محروم مانده است. ما نویسندگان ایران، امضاکنندگان این نامه، نگرانی خود را از نحوه دستگیری نویسنده و اعلام تحقیق‌آمیز خبر آن در یکی دو روزنامه، که نشانه عدم امنیت حرفه‌ای نویسندگان به شمار می‌آید، ابراز می‌داریم و تقاضای کنیم هرچه زودتر وضع ایشان بر اساس موازین قانونی روشن و آزادی ایشان تأمین گردد. منوچهر آتشی - امیرحسین آریانپور - اصغر الهی - مفتون امینی - منصور اوجی - علی باباچاهی - رضا باطلی - رضا براهنی - کامران بزرگ‌نیا - سیمین بهبهانی - مهین بهرامی - بهرام بیضانی - شهرنوش پارس‌پور - حسن پستا - صفدر تقی‌زاده - علیرضا جباری - کامران جمالی - اسماعیل جمشیدی - امیرحسن چهل‌تن - هوشنگ حسامی - غفار حسینی - علی حصرری - محمد حقوقی - علی اصغر خیره‌زاده - محمد خلیلی - سیمین دانشور - نجف دریابندری - محمود دولت‌آبادی - اکبر رادی - مرتضی راوندی - فریبرز رئیس‌دانا - منیرو روانی‌پور - قاسم روبین - ناصر زراعتی - سادات اشکوری - فرشته ساری - غلامحسین سالمی - فرج سرگوهی - محمدعلی سپانلو - احمد شاملو - اسماعیل صرامی - عمران صلاحی - محمد صنعتی - محمود طیارای - شیرین عبادی - هرمز عبداللهی - عبدالملکی عظیمی - غزاله علیزاده - ناهید فروغان - مهرانگیز کار - حشمت کامرانی - کاظم کردوانی - سیما کویان - عبدالله کوثری - منصور کوشان - لیلی گلستان - احمد گلشیری - هوشنگ گلشیری - فیروز گوران - جواد مجابی - محمد محمدعلی - عباس مخبر - محمد مختاری - حمید مصدق - عباس معروفی - ضیاء موحد - مسعود مهاجر - جمال میرصادقی - احمد میرعلایی - ابوالحسن نجفی - محمد وجدانی. توضیح ضروری: اصل امضاها نزد گردآورندگان آنها محفوظ است.

- آیا کنسولگریهای ایران در هامبورگ، مونیخ و برلین هم بخش امنیتی دارند؟

- من این را غیرممکن نمی دانم.

- آیا از اینکه بر اساس یک گزارش ویژه سرویس اطلاعاتی آلمان، عملیات میکونوس در سفارت ایران در بن و با نام رمز «بزرگ علوی» طرحریزی شده اطلاعی دارید؟

- نمی توانم این را منتفی بدانم. این حدس وجود دارد.

- آیا شنیده اید که مرکز سازمان امنیت ایران در بن قرار دارد؟

- من این موضوع را پیگیری می کنم زیرا مخالف فعالیتهای سرویسهای امنیتی خارجی در آلمان هستم.

- شما در یک جلسه پارلمانی گفته اید که... ما هیچ معامله ای با جانیان و تروریستها نداریم» منظورتان چه کسانی بوده اند؟

- منظور من دو موردی بود که آلمانیایی را که در گروهان خود داشتند به مرگ محکوم کرده بودند و می خواستند ما را تحت فشار بگذارند.

- آیا این حرف را به فلاحیان هم نگفته بودید؟ آیا خجالت می کشید این حرف را در اینجا تکرار کنید؟

- هیچ خجالت نمی کشم. همه اینها را گفته ام و منظورم ایران هم بوده است.

- یعنی از «جانیان و تروریستها» منظورتان دولت ایران هم بوده است؟

- بله.

- یک گزارش اطلاعاتی آلمان می گوید که دارایی از ۱۹۸۳ با سازمان امنیت ایران رابطه داشته، و اکنون صحبت این است که سازمان امنیت آلمان کوتاهی کرده و دارایی را تحت نظر نگرفته است، آیا دارایی پیش از این واقعه تحت کنترل تلفنی بوده است؟ ... یک روزنامه فرانسوی زبان، لوموند دولن فورماسیون (LE MONDE DE L' INFORMATION)، هفته گذشته مطرح کرده که نوارهایی از مکالمات تلفنی دارایی ضبط شده بود که بعد از انجام ترور بررسی شده اند. آیا این اطلاعات را قبلاً داشته اید؟

- فقط می توانم بگویم که نتایج اطلاعاتی را که از طرف سرویس اطلاعاتی فدرال در باره دارایی رسیده بود بررسی کردیم.

- آیا منابع اطلاعاتی شما هنوز هم وجود دارند؟

- غیرمستقیم بله، و ما مجبور به حفظ آنها هستیم.

- تا چه زمانی به شما اطلاعات می دادند؟

- متأسفانه نمی توانم جواب بدهم.

- داستان: شما در اظهارات خود گفتید که فلاحیان خواستار جلوگیری از تشکیل دادگاه و منحرف کردن مسیر آن بود، آیا عجیب نیست که وزیر اطلاعات کشوری چنین تقاضایی را در مورد کسانی داشته باشد که متهم به قتل اتباع کشور هستند؟

- وکیل ایاد به این سؤال اعتراض می کند ولی رئیس دادگاه اعتراض را رد می کند و اشمیت باوئر در پاسخ می گوید: این تقاضا از جانب دولت ایران با این استدلال مطرح شد که متهمان بیگناه هستند.

- یکی از وکلای مدعی خصوصی: شما در صحبت های قبلی خود صحبت از یک مجموعه مذاکرات و خواسته های مطرح شده از جانب

فلاحیان کردید، می توانید بگوئید این خواسته ها چه بوده است؟

- مهم ترین این خواسته ها همان مسئله جلوگیری از دادگاه و یا تأثیر گذاشتن بر آن بوده است.

شهادتهای پرتناقض

در جلسه ۲۵ فروردین دادگاه، بعد از شهادت اشمیت باوئر، یک خانم ایرانی به نام نوشین فولادوند به جایگاه شهود احضار شد.

نوشین فولادوند، ۲۱ ساله و خانه دار است و روابط دوستانه با محمد عتریس و خانواده اش دارد. او گفت که حدود دو ماه قبل از ترور با عتریس و خانواده اش آشنا شده و پس از دستگیری عتریس نیز سعی کرده است او را ملاقات کند.

رئیس دادگاه: روز ۱۷ سپتامبر ۹۲، روز وقوع ترور، چه می کردید؟

- در محل کارآموزی بودم. عتریس به آنجا آمد و با هم به خانه آنها و بعد به یک رستوران ایتالیایی رفتیم. دقیقاً یادم نیست که همین روز بود یا روز دیگر ولی یادم است که تا ساعت ۲۲ با هم بودیم.

- آیا همان شب به رستوران رفتید و یا شب دیگری بود؟

- خیر، آن شب در خانه عتریس ماندیم، شب دیگری به رستوران رفتیم، مارک کم داشتیم و او برای پرداخت پول رستوران دلار تبدیل کرد.

- هنگام ملاقات با او در زندان، در باره واقعه میکونوس با او صحبتی داشتید؟

- نه، خواهرش به من گفت.

- آیا احساس نمی کنید که عتریس دنبال شاهی می گردد که ثابت کند در آنروز با او بوده است؟

- خیر، اصلاً نمی تواند اینطور باشد، من وقتی که شنیدم خیلی هم تعجب کردم و بعد هم یادم آمد که من تمام آنروز بعد از ظهر را با او بودم و تعجب کردم که چگونه متهم شده است. من هنوز هم نمی توانم باور کنم که او در این جریان دست داشته است.

- پس این امکان وجود دارد که کسی از شما خواسته باشد که چنین شهادتی بدهید؟

- نه، من خودم خواستم که به پلیس اطلاع بدهم و دادم.

- آیا خودتان اقدام کردید؟

- خیر، از طرف پلیس به خانم تلفن زدند و با شوهرم حرف زدند. آنها دوبار تلفن کردند. شاهد در پاسخ ستوالهای مربوط به هویت عتریس و دوستانش و اینکه راجع به او چه می دانند، اینکه شغلش چه بوده و چگونه زندگی می کرده، می گوید هیچ چیز از او نمی دانم.

این شاهد در جلسه بعدی دادگاه در روز ۲۶ فروردین نیز در جایگاه شهود قرار گرفت.

رئیس دادگاه: چرا قبل از اینکه پلیس شما را دعوت کند - حدود یکماه بعد از واقعه - خودتان به پلیس اطلاع ندادید که روز هفده سپتامبر را با عتریس بوده اید، با این کار می توانستید به عتریس کمک کنید که آزاد شود.

- به فکرم نرسید. وقت نداشتم که جریان را دنبال کنم.

باز پرس: چرا آن پنجشنبه ۱۷ سپتامبر را دقیق به یاد دارید در حالیکه این اتفاقات، یعنی قدم زدن و رفتن به رستوران و... می توانست مثلاً در پنجشنبه سوم سپتامبر بوده باشد؟

- هر پنجشنبه عتریس به دنبال من می آمد،

اما پنجشنبه ۱۷ سپتامبر را یادم است که از ساعت ۴/۵ تا ۱۰/۵ شب با او بوده ام. بعد از اینکه خبر میکونوس را شنیدم این روز برایم مهم شد بخصوص که عتریس هم در زندان بود.

- آیا امروز در باره این جریان و نحوه شرکت عتریس در آن چیزی می دانید؟

- هیچ نمی دانم.

- یعنی بعد از یکسال و نیم واقعا نمی دانید دوستان چرا در زندان است؟

- خیر، نمی دانم. او هیچ چیز نگفته است. من از خواهرش شنیده ام که برای او زده اند و او را لو داده اند، نمی دانم خواهرش از کجا شنیده است. شاهد در تمام طول جلسه در پاسخ ستوالهای قاضی و دادستان و رئیس دادگاه اظهار بی اطلاعی از همه چیز می کرد. سرانجام رئیس دادگاه گفت چطور با اینهمه نزدیکی هیچ چیز راجع به او و خانواده اش نمی دانستید، فقط می دانید که روز ۱۷ سپتامبر با هم بوده اید! شما نپرسیدید که چرا یکسال و نیم است زندانی است؟

شاهد دیگری که در جلسه ۲۶ فروردین ۱۵ آوریل در دادگاه حاضر شد، خانمی است به نام رازی الدبس که به خاطر آشنایی با گزل در جریان درست کردن پاسپورت شوقی عتریس برای عباس رایبل قرار گرفته بوده است و دادگاه به خاطر رفع ابهامات شهادت گزل، او را به دادگاه احضار کرد. او که لبنانی الاصل است در پاسخ به ستوالهای رئیس دادگاه و دادستان در مورد آشنائی با متهم و چگونگی اطلاع از ماجرای پاسپورت، جوابهای متناقضی داد.

نکته مهم این جلسات، تناقضات زیادی است که در شهادتهای این افراد وجود دارد. به همین دلیل دادگاه از قسم خوردن گزل، فولادوند و رازی الدبس صرف نظر می کند. طبق قوانین آلمان، چنانچه شاهی بدون ادای سوگند، شهادت دروغ بدهد بین سه تا پنج ماه به زندان محکوم خواهد شد اما اگر بعد از شهادت دروغ، سوگند بخورد، حداقل به یکسال زندان محکوم می شود.

جلسه چهل و هفتم

در جلسه اول اردیبهشت ۲۱ آوریل، ابتدا برادر ۲۱ ساله شوقی عتریس به نام محمد عتریس به جایگاه شهود احضار شد و وقتی رئیس دادگاه به او توضیح داد که به عنوان فابیل درجه یک متهم، می تواند از ادای شهادت خودداری کند ولی اگر قبول کند که شهادت بدهد باید حقیقت را بگوید، او خواست که اول با وکیل برادرش صحبت کند و بعد تصمیم بگیرد. دادگاه با این امر موافقت کرد. در این هنگام حاجی دومان که از جریان برگرداندن پاسپورت شوقی عتریس، در رابطه با گزل، با خبر شده بود به جایگاه دعوت شد.

شهادتهای حاجی دومان، شوقی عتریس، محمد جراده، و معبری که در جلسات ۱ و ۸ اردیبهشت اظهار شد، در شماره بعدی خبرنامه می آید. در تهیه گزارشهای این شماره دادگاه برلین، از نشریه مجاهد هم استفاده شده است.

نشانی کمیته:

Comité iranien contre la repression et le terrorisme d'Etat (C. I. C. R. E. T. E.)
42 RUE MONGE
75005 PARIS - FRANCE
FAX 43 44 14 52

۴

اردیبهشت ۷۳/ ۹۴

شماره ۵

در ماههای گذشته گسترش استفاده از آنتنهای ماهواره‌ای مقامات جمهوری اسلامی را به شدت نگران کرده بود و بالاخره پس از اظهار نگرانیها از «یک تهاجم فرهنگی» گسترده به منظور «فاسد کردن مردم مسلمان ایران» به این نتیجه رسیدند که: «نبود باید گردد». علی محمد بشارتی وزیر کشور جمهوری اسلامی اظهار می دارد: «مبارزه با ماهواره نیاز به قانون ندارد، وظیفه ما است همانطور که با اراذل و اوباش و مفساد اجتماعی مبارزه می‌کنیم با این مسئله نیز مقابله کنیم. موضوع چگونگی جمع آوری آنتنهای غیرقانونی از بام منازل در جلسه هیئت دولت مطرح شد و من قول دادم که این آنتنها ظرف دو ماه توسط مأموران انتظامی جمع آوری خواهند شد» (۱۶ فروردین). اما، مقامات با توجه به مبارزه چندین و چند ساله با گسترش استفاده از ویدئو آگاهند که با زور نمی‌توانند جلوی گسترش آنتنهای ماهواره‌ای را بگیرند: «نمی‌توان یک مشکل جهانی را با زور حل کرد». «تکنولوژی ساخت وسایل و دستگاههای کوچک به قدری پیشرفت کرده است که به زودی یافتن آنتنها را غیرممکن خواهد ساخت». و یا یک مقام وزارت ارشاد اسلامی می‌گوید: «اجرای ممنوعیت استفاده از آنتنهای بشقابی ماهواره‌ای غیر ممکن است و مأموران انتظامی ما نمی‌توانند برای بازرسی پشت بامها وارد خانه‌های مردم شوند». «تنها پاسخ موثر به تهاجم فرهنگی از طریق برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای، اینست که برنامه‌های تلویزیونی جمهوری اسلامی با کیفیت

بقیه سعیدی میرجانی...

بقیه سعیدی میرجانی...
- مسئولین چندین نشریه فارسی زبان در سوئد و نروژ (آوای زن، افسانه، یازتاب، پوش، زنان و بنیادگرایی، هبوط) در نامه‌ای خطاب به وزیر امور خارجه کشورهای اسکاندينناوی، «ضمن محکوم نمودن اینگونه اقدامات خودسرانه جمهوری اسلامی ایران»، از ایشان خواستار شده‌اند که «به خاطر حمایت از آزادی بیان و نجات جان این نویسنده سالمند ایرانی، تمام تلاشهای خود را در جهت آزادی فوری و بدون قید و شرط وی به کار گیرند»

- کانون نویسندگان ایران در تبعید نیز بیانیه‌ای در حمایت از سیرجانی منتشر کرده است. در این بیانیه از جمله آمده است که «سرمداران جمهوری اسلامی در آلوده کردن شان انسانی و به لجن مالیدن اعتبار و حیثیت آدمی ید طولانی دارند... امروز، پیکر نویسنده و محقق ایرانی، علی اکبر سعیدی سیرجانی، زیر سم این یک‌تازان افتاده است».

- سازمان عفو بین‌الملل در اطلاعیه‌ای که با قید «فوریت» منتشر کرده، نوشته است: «سعیدی سیرجانی نویسنده معروف ایرانی ممکن است در خطر شکنجه و اعدام قرار داشته باشد... بنا بر این اطلاعیه «سعیدی سیرجانی ضمن انتقاد علنی از رژیم جمهوری اسلامی، سانسور و اختناق را در ایران محکوم می‌کرده است».

عفو بین‌الملل در اطلاعیه خود از همه مردم آزاده خواسته است با فشار آوردن به مقامات جمهوری اسلامی، خواستار آزادی بدون قید و شرط این نویسنده شوند. (کیهان لندن، پانزده

بهتر و جالبتر در داخل تهیه شود». در این زمان است که آقای وزیر کشور از نحوه درج سخنان خود در برخی روزنامه‌ها ابراز تأسف کرده و اضافه می‌کند:

«دولت هنوز درباره چگونگی مبارزه با رواج استفاده از برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در ایران تصمیم نگرفته است و تصمیم نهایی ظرف یک ماه آینده اعلام خواهد شد» (۲۱ فروردین). ... «مبارزه با پدیده ماهواره‌های مسئله جدی است که با برنامه‌ریزی دقیق به مقابله با آن خواهیم پرداخت» (۲۲ فروردین). (کیهان، کیهان لندن، ایران تایمز)

خبر دستگیری

به نوشته روزنامه لوموند (۲۷ آوریل ۹۴) محمد حسین ختنی از اعضای حزب ملت ایران از سوی «سرویس‌های امنیتی ایران» دستگیر شده است.

خودسوزی اعتراضی در آنکارا

به دنبال قرارداد امنیت مرزی میان ایران و ترکیه، تعدادی از پناهجویان ایرانی در ترکیه از طرف پلیس این کشور، به ایران پس فرستاده شدند. در اعتراض به این اقدام، جمعی جولان، در پنجم فروردین ماه، در مقابل ساختمان دفتر سازمان ملل متحد در آنکارا دست به خودسوزی زد. حال وی «وخیم» گزارش شده است. نامبرده پدر یکی از ایرانیانی است که مقامات ترکیه آنان را به ایران پس فرستاده است. (کیهان لندن ۳۱ مارس)

اردیبهشت ۷۳). (کیهان لندن، ۱۵/۲/۷۳)

- در آمریکا کمیته‌ای برای دفاع از سعیدی سیرجانی تشکیل شده است.

- چندین ده تن از نویسندگان و محققان و دانشگاهیان و روزنامه‌نویسان ایرانی مقیم خارج از کشور نیز طی نامه‌ای از دبیرکل سازمان ملل خواستار شده‌اند که به حراست از سلامت جان و روان نویسنده ایرانی عجلانه اقدام کند.

- روزنامه جمهوری اسلامی (صاحب امتیاز سیدعلی خامنه‌ای) در شماره مورخ ۱۳ ذیقعد ۵/۱۳۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۳ خود تحت عنوان «اندر حکایت هم محفلیهای سعیدی سیرجانی» می‌نویسد:

«اخیراً عده‌ای از همپالکیها و هم‌محفلیهای سعیدی سیرجانی در مطبوعات و غیره با ارسال نامه‌ای به قوه قضائیه کوشیده‌اند تا با توسل به توجیحات و حرفهای نامربوط اتهام سعیدی سیرجانی را بپوشانند و آن را به گونه‌ای دیگر به نمایش گذارند. سؤال این است که این افراد به چه دلیل خود را در این معرکه انداخته‌اند. کسانی که خود بهتر از هرکس دیگر جرم سعیدی سیرجانی و فساد اخلاقی او را بطور بین اطلاع دارند چه اکثر نویسندگان این نامه اگر در این مورد از او سبقت نگرفته باشند عقب‌تر نیستند».

«... واقعیت امر این است که مسئله فساد اخلاق سعیدی سیرجانی و اعتیاد او به مواد مخدر و مشروبات الکلی و ... خاص سیرجانی نیست بلکه ... یک گرایش و تمایل عمومی است...»

ترور یک پیشمرگ کومه‌له در سلیمانیه

رشاد کریمی پیشمرگ با سابقه کومه‌له (تشکیلات کردستان حزب کمونیست ایران) روز نهم فروردین ۷۳ در شهر سلیمانیه عراق مورد حمله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

حمله به امام جمعه مشهد

جمعه ۷۳/۲/۲، امام جمعه شهر مشهد به هنگام مراسم نماز جمعه این شهر، هدف گلوله‌های فردی ناشناس قرار گرفت و به شدت مجروح شد (لوموند ۲۵ و ۲۴ آوریل ۹۴). گفته می‌شود که ضارب نیز پس از این اقدام دست به خودکشی زده است. اما، بلافاصله توسط نیروهای انتظامی سپاه پاسداران به بیمارستان منتقل شده است.

جنایت مقدس فیلمی درباره ترورهای سیاسی

فیلم «جنایت مقدس» ساخته رضا علامه‌زاده، در ماه گذشته (آوریل ۹۴) از تلویزیون هلند پخش و با استقبال منتقدان و صاحب‌نظران روبرو شد. مسئله ترورهای جمهوری اسلامی در خارج از کشور موضوع این فیلم مستند چهل و پنج دقیقه‌ای است. رضا علامه‌زاده در این فیلم تلاش نموده است واقعیات این ترورها و چگونگی طرح‌ریزی، سازماندهی و اجرای آنها را، از طریق کنکاش در اسناد مربوط به هر مورد، مصاحبه با شخصیت‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی هرچه روشن‌تر سازد و نقش سفارتخانه‌ها و نمایندگان گیمهای جمهوری اسلامی در این زمینه را نشان دهد.

این فیلم تاکنون در چند شهر اروپا در مجامع و انجمنهای ایرانیان نمایش داده شده است.

بقیه ترور مخالفان: ...

جمهوری اسلامی ایران در این تماسها اعلام آمادگی کرده است که علاوه بر تأمین احتیاجات تسلیحاتی و تدارکاتی ایرا، مبلغ ۶ میلیون دلار اسکناس نو (یعنی جعلی!) و ۵۰۰ هزار دلار اسکناس مستعمل جهت ترور این سه مخالف بپردازد.

مخالف نزدیک به ارتش آزادیبخش ایرلند ضمن تأیید این خبر اعلام کردند که مسئولان ایرا از پذیرفتن پیشنهاد جمهوری اسلامی مبنی بر ترور مخالفان دولت ایران سر باز زدند. این روزنامه اضافه می‌کند که مسئولین سرویسهای امنیتی ایرا با گروه یونانی ۱۷ نوامبر و سازمان جداتی طلبان باسک (E. T. A.) نیز ارتباط دارد (خبرنامه شماره ۲، بهمن ۷۲). از طرف دیگر روزنامه اطلاعات بطور غیرمستقیم به وجود رابطه میان دولت ایران و ارتش آزادیبخش ایرلند اعتراف می‌کند و می‌نویسد: «چرا هنگامی که مقامات رسمی حکومت انگلستان مناسبات مستقیم خود با تروریستهای ایرانی را توجیه می‌کنند... ایرا باید از این قاعده مستثنی شود؟ چرا ما باید از روابطمان خجالت بکشیم؟»

محاکمه متهمان به جنایت میکونوس، در دادگاه فدرال آلمان در برلین ادامه دارد. در جلسات اخیر دادگاه بار دیگر نقش ایران در این کشتار روشن شد. برندا اشمیت باوئر وزیر هماهنگ کننده سازمانهای امنیتی و اطلاعاتی آلمان بار دیگر در جلسه چهل و پنجم دادگاه، در روز ۲۵ فروردین ۷۳ در دادگاه حاضر شد.

قبل از او، ۱۱ فروردین/۲۴ مارس، شاهدی به نام کریم گزل به دادگاه احضار شد. پاسپورت شوقی عتریس که قرار بود برای فرار از آلمان مورد استفاده عباس رایل قرار بگیرد، مدتها نزد این شخص نگهداری می شده است. گزل - اهل ترکیه - در دادگاه تقریباً هیچ پاسخ روشنی به سئوالات رئیس و دادستان نداد و قرار شد یکبار دیگر برای شهادت احضار شود. در جلسات ۱۸ و ۱۹ فروردین/۷ و ۸ آوریل در شهادت مجدد بازپرس پرونده میکونوس، آقای وان ترک، از اسناد و مدارکی که از خانه تروریستها پیدا شده است صحبت شد: نامه‌ها، عکسها، دفترهای تلفن، پاسپورت، چمدانهای آماده برای مسافرت، و ساک ورزشی محتوی پول و نامه‌های مختلف. این اسناد در روز دستگیری و روز بعد، از خانه احمد امین، برادر یوسف امین به دست آمده است.

یکی از این مدارک دفتر تلفنی است که در آن شماره تلفنی به نام محمدحسین السعید است و به گفته افسر مزبور پلیس آلمان توانسته تأیید کند که این شماره متعلق به حزب الله در لبنان است. بنا به گفته آقای وان ترک شماره تلفن دارایی نیز در این دفتر تلفنها هست. در خانه برادر امین چند دفتر تلفن پیدا شده که متعلق به امین و رایل است و در تمام این دفترها تلفنهای ماشینی، خانه، مفازه دارایی در آلمان هست، شماره تلفنهایی به اسامی موسی دارایی و عباس دارایی در کازرون، چندین شماره تلفن در تهران و قم که در همه این چند دفتر آمده است. تمام این شماره‌ها با نامهایی که در جلو آنها نوشته شده در دادگاه اعلام شد. به علاوه، یادداشت‌هایی حاوی آدرس خانه دو برادر کاظم دارایی در ایران، فاصله شهرهای مشهد، تهران، شیراز، کارت ویزیت ایران ایر، و بسیاری نکات دیگر که حاکی از رابطه نزدیک متهمین با ایرانیها، سفارت ایران در آلمان، کارمندان آلمانی سفارت ایران و شخص دارایی است.

تلفن مهم دیگر، تلفن یک ایرانی است در ژنو که کاظم دارایی روز ۱۸ سپتامبر ۹۲، چند بار از طریق تلفن ماشینی خود با او صحبت کرده است.

مرد دیگر پاسپورت شوقی عتریس است که با عکس رایل در این خانه پیدا شده است به اضافه نامه‌های خانواده عتریس و رایل به آنها و نیز برگه‌های شناسائی حقیقی و جعلی، که متهمین تمام آنها را تأیید کرده‌اند. بررسی این نامه‌ها و آدرسهای گیرندگان نشان از رابطه نزدیک رایل و امین با کاظم دارایی دارد چون نامه‌ها به آدرس او و به نام او از لبنان برای آنها فرستاده می شده است.

در بین این مدارک عکسهایی از رایل و امین با چند نفر دیگر و نیز شخصی به نام علی صبرا وجود دارد. علی صبرا خریدار ماشینی فرار در عملیات میکونوس بوده است. یکی دیگر

دیگر از عکسها امین و رایل و دارایی را در جلو مسجدی، شاید در برلین، نشان می دهد، سه ماه قبل از دستگیری. با اضافه عکسی از رایل و دارایی و امین و علی صبرا.

از مدارک دیگر به دست آمده در کیفهای مسافرتی رایل اعلامیه شرکت در مراسم اولین سالگرد مرگ خمینی است به زبان عربی.

شهادت مجدد اشمیت باوئر

۲۵ فروردین/۱۴ آوریل برندا اشمیت باوئر، مجدداً در دادگاه حاضر شد. او این بار نیز در باره رابطه ایران با جریان میکونوس و تمایل ایران به تأثیرگذاری بر دادگاه مورد سوال قرار گرفت.

اشمیت باوئر در مورد اینکه آیا در رابطه با جریان میکونوس یک یا چند دیپلمات ایرانی از آلمان اخراج شده‌اند؟ گفت: این همیشه در روابط بین دو کشور می تواند پیش بیاید، و این بار، این

اخراجها ربطی به جریان میکونوس نداشته، بلکه به کلیت عملیات افراطی در کشور ما مربوط می شده است. او اضافه کرد که اگر این مورد بتواند کمکی به روشن شدن ماجرا بکند در یک جلسه غیرعلنی آنرا اظهار می کند.

وکیل مدعی خصوصی مجدداً در رابطه با اخراج دو دیپلمات ایرانی به نامهای مطلق تفرشی در ژوئیه و علیرضا حقیقیان در سپتامبر ۹۲ پرسید آیا این اخراجها با این جریان مربوط بوده است؟

دادستان تذکر داد که شاهد چند بار تکرار کرده که این مسایل مربوط به ماجرای میکونوس نبوده است.

وکیل: آیا می دانید که حقیقیان اکنون کجا کار می کند؟

- تا آنجا که می دانم در وزارت اطلاعات ایران کار می کند.

- آیا می دانید که از ۲۰ نفر اعضای سفارت ایران در بن، ۲۰ نفرشان مأموران امنیتی هستند؟

- من مسئول کارهای غیرقانونی سفارتها نیستم، اگر هم اطلاعات دقیقی داشتم در اینجا حرفی نمی زد.

بقیه در صفحه ۲

یادداشت

بار دیگر در گزارش سازمانهای بین المللی از ایران به عنوان خطرناکترین رژیم تروریست نام برده می شود.

در فرهنگ سیاسی جهانی دولت تروریست دولتی است که مخالفان خود را در داخل و خارج می کشد و یا در کشورهای دیگر به مقتضای سیاست خود دست به خرابکاری می زند. این تعریفی بسیار ناقص و نارسا از دولت تروریست است؛ لائیل مردم ایران اینگونه تعریف از تروریسم را در مورد رژیم جمهوری اسلامی قبول ندارند؛ رژیم جمهوری اسلامی تاکنون دهها نفر از آزادیخواهان مخالف خود را در کشورهای خارج و با شیوه های گوناگونی از توحش و خشونت به قتل رسانده است و حساب مردم بیگناهی که به دست جلادان رژیم ولایت فقیه به خاک هلاکت افتادند از شمار بیرون است.

اما هنوز میان اینگونه تعریف از تروریسم و آنگونه واقعیتی که بر مردم ایران از تروریسم رژیم جمهوری اسلامی تحمیل می شود تفاوت از زمین تا آسمان است. دامنه تروریسم رژیم جمهوری اسلامی به تمامی پهنه زندگی اجتماعی و شرایط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم ایران گسترده شده است. برای وقوف به عمق آثار و عوارض تروریسم ولایت فقیه نگاهی ساده بیفکندیم به آمارهای اقتصادی و به کیفیت توزیع درآمدها و دانشگاهها؛ به منطق حکومت ولایت فقیه در مورد حقوق زن و رفتار با زنان و قانون مجازاتهای اسلامی؛ به بنیادهای رنگارنگی که حساب درآمد و هزینه آنها از محاسبات دولتی جداست؛ به وضع جوانها و انحطاط وحشتناک اخلاق و کردار عموم؛ به وضع دادگستری و دادگاهها؛ به سرنوشت هزاران هزار زندانی سیاسی؛ به کیفیت بهداشت و درمان؛ به تورم و گرانی افسارگسیخته‌ای که به هیچ قانونی جز قانون غارت و سرکوب پایبند نیست؛ به جریان رشوه و ارتشاء که از سطح تا قله جامعه و حکومت به صورت حق مشروع و شناخته شده رسمی در آمده است. بنابراین کشتن مخالفان آزادیخواه در خارج و زندان و شکنجه و سانسور و اختناق در داخل تنها بخشی از سیاست اعمال ترور به وسیله رژیم جمهوری اسلامی است.

اگر رژیم جمهوری اسلامی هر روز گامی فراتر از دیروز در شیوه سیاست اعمال ترور خود برمی دارد از این جهت است که هر روز در جامعه بین المللی منزوی تر و در حل مسائل بحرانی مملکت و رودررویی با آثار ورشکستگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ناتوانتر و ضعیفتر می شود. زیرا رژیم جمهوری اسلامی تنها یک رژیم مستبد قدرت گرا (اتوریتر) نیست بلکه قدرتی خودکامه (توتالیتر) است یعنی در برابر هیچ قشر و طبقه اجتماعی جامعه احساس مسئولیت نمی کند و خود را برگزیده آن نمی داند؛ دولت اسلامی دولتی یاقی و به معنای واقعی کلمه نیروی اشغالگر و تجاوزکار است که همه امکانات و ذخایر و نیروهای مملکت را در خدمت غارت و سرکوب و فساد قرار داده است. تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب از آخرین اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در محور کلیه حقوق قانونی مردم ایران در دستگاه دادگستری است. این اقدام تروریستی نیز که همه وظایف تحقیق و بازپرسی و تشکیل پرونده و دادرسی را بر عهده یک قاضی (آتهم از نوع صدد در صد اسلامی آن) می گذارد، تجاوز آشکاری است که به نام اسلام و فقه اسلامی به مردم ایران تحمیل می شود. تروریسم جمهوری اسلامی فقط انسانها را نمی کشد بلکه روح و حیات مادی و معنوی مردم ایران را در ظلمات جهل و خرافه به پژمردگی و انحطاط می کشد.